ادامه از صفحه ۱۲

به بهانه ۶۵ سالگی دیزنی‌لند که بعد از جنگ‌های جهانی مامور ساختن رویای آمریکایی شد

والت دیزنی؛ کهنه سرباز افت کرده

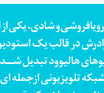

میلاد جلیل‌زاده
روزنامه‌نگار

کمپانی والت‌دیزنی غول سرگرمی‌سازی، رویافروشی و شادی، یکی از اصلی‌ترین ستون‌های سینمای آمریکاست. این شرکت که در سال ۱۹۲۳ توسط والت‌دیزنی و با مشارکت برادرش در قالب یک استودیو کوچک انیمیشن‌سازی تاسیس شد، به‌سرعت توانست توسعه پیدا کند و به یکی از بزرگ‌ترین استودیوهای هالیوود تبدیل شد. کمپانی والت‌دیزنی امروز مالک ۱۴ شهرباری، صاحب ۷۲ درصد سهام نشنال جئوگرافیک، تعداد زیادی شبکه تلویزیونی از جمله ای‌بی‌سی، شبکه دیزنی، ای‌اس‌پی‌ان و ای‌بی‌سی خانوادگی، شبکه تلویزیونی فاکس، یک وی‌اودی غول آسا به نام دیزنی‌پلاس که رقیب جدید نتفلیکس شده و همچنین شرکت‌های تابعه و زیرمجموعه‌اش مثل ماروِل اینترتینمنت، ماروِل استودیو لوکاس فیلم، هولو، میرامکس، فاکس فرن بیستم، استودیو پیکسار و ... است. به این ترتیب دیزنی برابر است با بخش اعظم سینمای آمریکا. به‌علاوه شرکت والت‌دیزنی صاحب، انتشارات کتاب والت‌دیزنی، و «گروه انتشاراتی ای‌بی‌سی»، هشت بنگاه انتشارات کتاب، ۱۷ مجله، شبکه تلویزیونی ای‌بی‌سی با ۱۰ ایستگاه تلویزیونی که در پنج بازار برتر جهان مشغول فعالیت هستند، ۳۰ ایستگاه رادیویی در تمام بازارهای برتر جهانی، ۱۱ کانال کاملی شامل دیزنی، ای‌اس‌پی‌ان (ESPN) (مشترک)، ای‌اند‌ای (A&E) و کانال تاریخی (History Channel)، ۱۳ کانال پخش بین‌المللی از استرالیا گرفته تا برزیل، هفت واحد تولیدی و ورزشی در اقصی نقاط جهان، ۱۷ سایت اینترنتی شامل ای‌بی‌سی گروپ (ABC group)، ESPN.sportszone، NFL.com، NBAZ.com) پنج گروه موسیقیایی و موارد متعدد دیگر است.

کمپانی والت‌دیزنی؛ محصول پروپاگاندای جنگ‌جهانی اول و مسئول پروپاگاندا در جنگ‌جهانی دوم

والت‌دیزنی شخصیتی است که جامعه سینمایی آمریکا پس از دیوید وارک گریفیث به او میدان وسیعی برای فعالیت داد. گریفیث را که یکی از موثرترین افراد در تکوین هنر سینما بود، خیلی‌ها به‌خوبی می‌شناسند. او تعدادی از اولین فیلم‌های بلند تاریخ سینما را که با بودجه‌های عظیم و در مدت زمانی طولانی‌تر ساخته می‌شدند، کارگردانی کرد. چیزی که به گریفیث اجازه داد تا بتواند ایده‌های جاطلبانه‌اش را تحقق ببخشد، به‌وجودآمدن شرایط ملتهب سیاسی-نظامی در جهان و آماده شدن آمریکا برای حضور در جنگ جهانی اول بود. با پایان جنگ، دوران افول دی. دبلیو. گریفیث هم فرارسید. پایان جنگ در سینمای آمریکا یک تحول اساسی به‌همراه داشت و جایگزین انحصاری افرادی مثل ادیسون و گریفیث در عالم سینما، از آن به‌بعد اشراف یهود مهاجری شدند که اغلب از دهکده‌های یهودی‌نشین اروپای شرقی به آمریکا مهاجرت کردند و از تجارت انواع و اقسام پوست، الماس، مشروبات الکلی و... به تصویر متحرک و سینما رسیده بودند و حالا کمپانی‌های خود را در نیویورک برپا می‌کردند. سال ۱۹۱۸، در همان روزهای جنگی که گریفیث با استفاده از شرایط جنگی آمریکا، فیلم‌هایی با تم نژادپرستانه و متعصبانه می‌ساخت، یک جوان نقاش که کارتون‌های تبلیغاتی می‌کشید، شناسنامه‌اش را دستکاری می‌کرد تا سنش بالاتر برود و بتواند در جنگ جهانی اول برای آمریکا بجنگد. این جوان نامش والت‌دیزنی بود. جنگ اول تمام شد و گریفیث کم‌کم به حاشیه رفت و درعوض این جوان والت‌دیزنی بود که داشت به اوج شهرت و اعتبار می‌رسید. سینمای آمریکا را با تمام جلوه و عظمتش، منعصب‌ترین افراد نسبت به سیاست‌های کلان این کشور پایه گذاشتند و پیش بردند. بعد از گریفیث، والت‌دیزنی تاثیرگذارترین فرد در این زمینه بود. البته در جبهه مقابل هم شاخص‌ترین افرادی که روی تکوین دستور زبان سینمای جهان تاثیرگذار بودند، از میان وفاداران به ایدئولوژی کمونیسم بودند. پودوفکین و آیزنشتاین نمونه‌های شاخص این قضیه هستند. به‌طور کل، دستور زبان سینما را فیلمسازان معتقد به دو ایدئولوژی در دو بلوک شرق و غرب ساختار بخشیدند و نقش شاخص والت‌دیزنی این بود که تبلیغات و تاثیرگذاری ایدئولوژیک را به‌شدت با سرگرمی درآمیخت. او خالق و پدر «پروپاگاندای شاد» در عالم هنر است. وقتی گریفیث کم‌کم از دور خارج می‌شد و در سال ۱۹۴۸ در غربت و انزوا جان می‌سپرد. آیزنشتاین هم پس از دوره‌ای که بهترین ایده‌ها را به سینمای جهان هدیه داده بود، توسط رژیم استالین مورد شک و سوءظن قرار گرفت و در همان سالی که عمرش پایان یافت، والت‌دیزنی به سینما آمد تا پروپاگاندا را با مایه‌های همه‌فهم سرگرمی ترکیب کند. او از سال ۱۹۴۰ تا پایان عمرش در سال ۱۹۶۶، یک مخبر و جاسوس برای اف‌بی‌آی بود و در جنگ جهانی دوم تمام‌قد به خدمت ارتش آمریکا درآمد. سینمای شوروی ابتدا به‌شکل افراطی سویه‌های روشنفکری پیدا کرد و در دورانی که اوج کار والت‌دیزنی محسوب می‌شد، استالین فضایی به وجود آورد که طلیعه‌های نوع هنری برآمده از انقلاب اکتبر روسیه را دچار خفقان می‌کرد. بااین‌حال دیزنی و سایر غول‌های سرگرمی‌سازی سینمای آمریکا، حالا یک رقیب قدر دیگر داشتند؛ آلمان نازی. هیتلر به‌طور مستقیم سرگرمی‌سازی را نشانه گرفته بود و می‌خواست چیزی شبیه هالیوود علم کند. او اتفاقا داشت خوب پیش می‌رفت و اگر در میدان نبرد نظامی قافیه را نمی‌باخت، ای‌بسا در این میدان می‌توانست پیروز شود. به‌هرحال بخش قابل توجهی از اعتبار والت‌دیزنی و کمپانی او در ساختار ایالات متحده، به هماوردی اش با هیتلر و وزیر تبلیغات او گوبلز و به‌طور کل آلمان و سینمای آلمان برمی‌گشت. او به‌خاطر نقشی که در این جنگ ایفا کرد، توانست مدال نامزنی افتخار را دریافت کند؛ کمپانی والت‌دیزنی یک فیلم بلند تبلیغاتی به سفارش ارتش آمریکا با نام «پیروزی از طریق نیروی هوایی» ساخت و این فیلم در سال ۱۹۴۳ جایزه اسکار را دریافت کرد. این جایزه شبیه نوبل ادبیات برای کتاب خاطرات وینستون چرچیل بود که به‌دلیلی جز نقش‌آفرینی‌اش در جنگ جهانی دوم به او تعلق نگرفت.

گردن افراشته در قبال نازی‌ها و سر فرود آمده در برابر چینی‌ها

همزمان با جنگ جهانی اول، باندمی عالم گیر آنفلوآنزای اسپانیایی، جهان را در خود فرورد. این یک بیماری نسل‌افکن بود که باعث مرگ ۵۰ میلیون نفر شد، درحالی که جنگ جهانی اول ۴۰ میلیون نفر را کشت. تاثیر پاندمی آنفلوآنزا روی سینما، جمع شدن استودیوهای کوچک و ادغام آنها در استودیوهای بزرگ با تعامل شان بود. غارت مگاهالیوود از همین جا به وجود آمد. یهودی‌ها هم از همین جا به بعد بود که کم‌کم وارد هالیوود شدند؛ هرچند ورود آنها رابطه مستقیمی با این بیماری عالم گیر نداشت و متاثر از جنگ جهانی اول بود. در این شرایط بود که والت دیزنی شرکتش را تاسیس کرد و گسترش داد. او از ابتدا با یهودی‌ها پیوند برقرار کرد و به این ترتیب مسیر برای گسترش فعالیت‌هایش هموارتر شد.

شخصیت میکی ماوس اولین سکوی پرتاب والت‌دیزنی بود هنوز جزء مشهورترین شخصیت‌های کارتونی دیزنی است. این کاراکتر کارتونی که برای اولین بار در ۱۸ نوامبر ۱۹۲۸ معرفی شد و به‌زودی توانست تبدیل به ستاره بیش از ۱۲۰ کارتون مختلف شود، نمادی از همان یهودی سرگردان و بی‌کس اروپایی است که حالا تعدادی از آنها صاحبان سهام در استودیوهای هالیوود شده‌اند. میکی مدام از سوی رقیبان قوی‌تر تهدید می‌شود، ولی حواله‌ها اتکا به زیرکی و چالاکی خودش بر تمامی دشمنان فائق می‌آید. پس از آن هم تداوم این شخصیت کارتونی را در انیمیشن تام و جری» می‌شد مشاهده کرد؛ موشی بدجنس و فریبکار که با تکیه بر شیطنت‌ها و ناجوانمردی‌هایش به‌طور اعجاب‌آوری همیشه بر گربه‌ای نادان و احمق پیروز می‌شود و درعین حال مخاطب باید طرفدار این موش باشد و دوستش بدارد. این قبیل آثار در دادن حس اعتماد به‌نفس به مخاطبان یهودی که دقیقا مفهوم سمبل موش را می‌فهمیدند خیلی موثر بود، چون در آلمان نازی و همچنین سایر مناطق اروپا یهودیان را با القابی مثل موش کثیف و موذی خطاب قرار می‌دادند. پیوند یهودی‌ها با شرکت والت دیزنی حتی پس از مرگ مؤسس آن ادامه داشت و همچنان ادامه دارد. پس از مرگ والت دیزنی در سال ۱۹۶۶ و افول تدریجی کمپانی او، تا اواخر دهه ۱۹۸۴، یک یهودی به نام مایکل ایزنر ریاست شرکت دیزنی را برعهده گرفت و بلافاصله هم کیشان خود را وارد شرکت کرد. مایکل مدود منتقد سینمایی در این باره می‌نویسد که «به‌زودی یهودیان سراسر دیزنی را در بر گرفتند. تحت مدیریت جدید، فروش و سود شرکت دیزنی افزایشی ناگهانی پیدا کرد و این شرکت که مجددا احیا شده بود، بار دیگر به قله جهانی صنعت سرگرمی بازگشت.

دیزنی‌لند: از آرمان‌شهر تا ویران‌شهر

احسان زیورعالم
روزنامه‌نگار

امروز، سرزمین رویاهای والت‌دیزنی، کسی که از او با عنوان رویاساز آمریکایی‌ها یاد می‌کنند ۶۵ ساله می‌شود. سرزمینی که نه با دنیای واقعی زمانه خود، که با دنیای واقعی دوران کنونی نیز سنخیتی ندارد، دنیایی که قرار بود طبق کارخانه رویاسازی والت‌دیزنی جای بهتری باشد. آدم‌هایش شادتر باشند و شرورهای بدطینت با تلاش آدم‌خوب‌ها نابود شوند یا حداقل سر عقل بیایند و از شرارت دست بردارند؛ اما این روزها گویا در دل شرارت بین‌المللی، ۶۵ سالگی پیر بانوی رویایی دیزنی به یکی از همان رویاهای دست‌نیافتنی انیمیشن‌ها بدل شده است. دنیای امروز بیشتر از آنکه شبیه انیمیشن‌های افسانه پریان دیزنی باشد، به دنیای پر از آشفتگی و کابوس لونی‌تونز-رقیب دیزنی در کمپانی برادران وارنر- به سرکردگی باگزبانی می‌ماند. شاید از همین رواست که چیزی به نام لونی‌تونزلند نداریم؛ چون باید یادآر ما شهری باشد سوخته در حماقت شخصیت‌هایش.

بااین حال، چه خوش‌مان بیاید و چه نیاید در این ۶ دهه و نیم فعالیت دیزنی‌لند نقش پررنگی در فرهنگ آمریکایی داشته است. پارکی که در ۱۷ جولای سال ۱۹۵۵ با حضور سیاستمداران گشایش یافت، با حضور میکی و مینی یا السا و آنا به دنیای مهمی تبدیل شد؛ اما چرا؟ جایی که قرار بود بساط سرگرمی آمریکایی‌ها باشد، حالا جایی است برای تجارت و تغییرات فرهنگی.

مارتی آرنتر، رئیس سابق دیزنی، یک‌بار در اشاره به دیزنی‌لند از عبارت «خلبان ما» استفاده کرده بود، یعنی قرار بود پارک راهنمایی برای تصمیماتی باشد که توسط شرکت والت‌دیزنی گرفته می‌شد. مارک اسکلار، مدیر سابق بخش تصور کردن والت‌دیزنی می‌گوید: «دیزنی‌لند، فارغ از هر آنچه دیزنی در سراسر جهان به دست آورد، جایی است که قلب دیزنی است. هنگامی که دیزنی‌لند گشایش یافت، آنچه تحلیلگران صنعت از آن یاد می‌کردند عبارت «تغییردهنده بازی» بود. از دید آنان چیزی به غایت تازه، آنچنان رادیکال و پیشرو پیش روشان قرار گرفته بود که تاثیر ماندگاری بر بسیاری از جوانب زندگی آمریکایی‌ها می‌گذاشت. حالا پس از ۶ دهه گشایش دروازه‌های دیزنی‌لند، بسیاری بر این باورند دیزنی‌لند دشادترین مکان روی زمین است. دیزنی‌لند در آمریکا محل پیدایش «اولین‌ها» است. دیزنی‌لند اولین پارک موضوعی جهان بود که به‌طرز چشمگیری باعث رونق کارناوال‌ها و پارک‌های تفریحی ارزان‌قیمت تابستانی شد. دیزنی‌لند صاحب اولین ترن هوایی جهان است. دیزنی‌لند مکان پیدایش نخستین سیستم مونوریل جهان است. دیزنی‌لند جایی است که اولین جاذبه‌های صوتی و انیمیشنی الکترونیکی جهان در آن آغاز به کار کرد. دیزنی‌لند اولین مرکز خرید سرپوشیده جهان با همان Shopping Mall‌ای است که در آن خریداران می‌توانستند بدون بیرون زدن از فروشگاه به مقصد فروشگاه دیگر و پیاده‌روی در فضاهای باز، از خرید مغازه‌های کنار هم در فضایی بسته لذت ببرند و در کنارش رستوران بروند و درصورت هوس فیلم دیدن، روی صندلی‌های سینما لم دهند. خطوط ماریچ ترن‌های هوایی که این روزها در فرودگاه‌ها و بانک‌ها معمول است، برای اولین‌بار در دیزنی‌لند استفاده شد، زمانی که برای جلب‌توجه بیرون ورودی پارک صف می‌کشیدند و تا جایی که چشم کار می‌کرد، پیچ و تاب می‌خورد. می‌گفتند دیزنی‌لند تنها مکان جادویی‌ای است که در آن والدین و فرزندان می‌توانند کنار هم تفریح کنند و گویا این راز ۶ دهه فعالیت دیزنی‌لند است. در دنیای اشباع‌شده از زباله‌ای و بدنویسی با تلاش آدم‌خوب‌ها نابود شوند یا حداقل سر عقل بیایند و از شرارت دست بردارند؛ اما این روزها گویا در دل شرارت بین‌المللی، ۶۵ سالگی پیر بانوی رویایی دیزنی به یکی از همان رویاهای دست‌نیافتنی انیمیشن‌ها بدل شده است. دنیای امروز بیشتر از آنکه شبیه انیمیشن‌های افسانه پریان دیزنی باشد، به دنیای پر از آشفتگی و کابوس لونی‌تونز-رقیب دیزنی در کمپانی برادران وارنر- به سرکردگی باگزبانی می‌ماند. شاید از همین رواست که چیزی به نام لونی‌تونزلند نداریم؛ چون باید یادآر ما شهری باشد سوخته در حماقت شخصیت‌هایش.

بااین حال، چه خوش‌مان بیاید و چه نیاید در این ۶ دهه و نیم فعالیت دیزنی‌لند نقش پررنگی در فرهنگ آمریکایی داشته است. پارکی که در ۱۷ جولای سال ۱۹۵۵ با حضور سیاستمداران گشایش یافت، با حضور میکی و مینی یا السا و آنا به دنیای مهمی تبدیل شد؛ اما چرا؟ جایی که قرار بود بساط سرگرمی آمریکایی‌ها باشد، حالا جایی است برای تجارت و تغییرات فرهنگی.

مارتی آرنتر، رئیس سابق دیزنی، یک‌بار در اشاره به دیزنی‌لند از عبارت «خلبان ما» استفاده کرده بود، یعنی قرار بود پارک راهنمایی برای تصمیماتی باشد که توسط شرکت والت‌دیزنی گرفته می‌شد. مارک اسکلار، مدیر سابق بخش تصور کردن والت‌دیزنی می‌گوید: «دیزنی‌لند، فارغ از هر آنچه دیزنی در سراسر جهان به دست آورد، جایی است که قلب دیزنی است.»